



پژوهشکده شورای نگهبان



گزارش کارشناسی

پرونده‌های دیوان عدالت اداری

در خصوص:

تقاضای ابطال مصوبه سازمان تعزیرات حکومتی مبنی
بر عدم پذیرش وکلای غیر دادگستری در سازمان
تعزیرات حکومتی

کد گزارش: ۹۴۰۱۰۰۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۱/۲۹

پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه گزارش

گزارش کارشناسی پرونده‌های دیوان عدالت اداری

موضوع:

تقاضای ابطال مصوبه سازمان تعزیرات حکومتی مبنی بر عدم پذیرش وکلای غیر دادگستری در سازمان تعزیرات حکومتی

تهیه و تنظیم:

محمدامین ابریشم‌کش

نظارت:

سیدمجتبی حسینی‌پور اردکانی

پژوهشکده شورای نگهبان

شماره گزارش: ۹۴۰۱۰۰۴

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۴/۱/۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گزارش کارشناسی پرونده‌های استعلامی دیوان عدالت اداری

موضوع شکایت: ابطال مصوبه سازمان تعزیرات حکومتی مبنی بر عدم پذیرش وکلای غیردادگستری در سازمان تعزیرات حکومتی.

شاکیان: ۱- مجید دهقان. ۲- حامد دهقان.

طرف شکایت: ۱- سازمان تعزیرات حکومتی. ۲- سازمان بازرسی کل کشور

جهات مغایرت شرعی:

۱- مغایرت با آیه شریفه «و لا تکن للخائنین خصیماً» (آیه شریفه ۱۰۵ سوره

مبارکه نساء)

۲- مغایرت با نظر فقهی مراجع عظام تقلید

شماره و تاریخ نامه دیوان: ۱۳۸۹/۲۰/۱۱۳۸۸۹/۲۱۰/۲۱۰/۹۰۰۰ - ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

مقدمه:

بر اساس دادخواست ارسالی، شاکیان دستورالعمل سازمان تعزیرات حکومتی مبنی بر عدم پذیرش وکالت وکلای غیررسمی در شعب تعزیرات حکومتی را علاوه بر مخالفت با موازین قانونی، مغایر شرع دانسته‌اند که از این حیث پرونده جهت اظهار نظر فقهای معظم به شورای نگهبان ارسال شده است.

شرح و بررسی پرونده:

ابتدائاً در خصوص شکایت صورت گرفته لازم به توضیح است که «آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی» در سال ۱۳۷۳ به تصویب رسیده است و بعد از آن

بارها مورد اصلاح یا الحاق قرار گرفته است. یکی از این موارد تبصره ماده (۲۳) این آئین‌نامه می‌باشد که در سال ۱۳۷۴ به آن الحاق شده است. این تبصره بیان می‌دارد:

«هرگاه محکوم علیه و یا رؤسای سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، آراء قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می‌توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد نمایند. چنانچه وزیر دادگستری تقاضا را وارد تشخیص دهد و یا رأساً رأی را غیرقانونی بداند پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که به همین منظور در مرکز تشکیل می‌گردد ارجاع خواهد داد. رأی این شعبه قطعی است و اقدامات موضوع این تبصره مانع اجرای حکم تجدیدنظر خواسته نخواهد بود».

سازمان تعزیرات حکومتی در خصوص این تبصره، در تارنمای (سایت) خود اقدام به انتشار دستورالعملی نموده است، که در دادخواست حاضر ابطال آن به استناد مغایرت با موازین شرع درخواست شده است. متن مورد اعتراض (موجود در تارنمای سازمان) به قرار زیر است:

«تذکر مهم به متقاضیان محترم برای اجتناب از اتلاف وقت، هزینه و ...

۲- در صورتی که شخصی به وکالت از محکوم علیه تقاضای اعمال تبصره

ذیل ماده ۲۳ آئین‌نامه سازمان و رسیدگی پرونده را در شعبه عالی تجدیدنظر

ارائه می‌نماید. لازم است که از طرف کانون وکلای دادگستری پروانه وکالت

داشته باشد، لذا وکالتنامه‌های دستی، محضری و غیره مورد قبول و پذیرش

نمی‌باشد.»

بر این اساس شاکیان، عدم پذیرش وکلای غیردادگستری در سازمان تعزیرات

حکومتی را علاوه بر مغایرت با قوانین موضوعه، مغایر موازین شرع دانسته و دلایل زیر را از این حیث اقامه کرده‌اند:

الف: مغایرت با آیه شریفه «و لا تکن للکائناتین خصیماً» (آیه شریفه ۱۰۵ سوره

مبارکه نساء)

ب: مغایرت با نظر مبارک مراجع عظام تقلید از جمله حضرت امام خمینی

(ره) به ویژه مسائل ۲۴ الی ۳۲ جلد سوم تحریر الوسیله در باب وکالت^(۱).

۱- مسائل مذکور بدین شرح است:

مسئله ۲۴- برای هریک از «مدعی» و «مدعی علیه»، توکیل در خصومت و مرافعه جایز است. بلکه برای صاحبان مروّت از اهل شرف و منصب‌های بزرگ مکروه است که خودشان متولی منازعه و مرافعه شوند- خصوصاً در صورتی که طرف، بد زبان باشد و رضایت طرف معتبر نیست، پس حق ندارد از خصومت وکیل خودداری کند.

مسئله ۲۵- وظیفه وکیل مدعی این است که نزد حاکم بر مدعی علیه تشریح دعوی نموده و اقامه بیّنه بر اثبات دعوی نماید؛ و تعدیل آن کند و منکر را قسم دهد و طلب حکم بر خصم نماید. و خلاصه هر چیزی که وسیله اثبات دعوی است انجام دهد و وظیفه وکیل مدعی علیه این است که دعوی را انکار نموده و شهود را مورد طعن و خدشه قرار دهد و اقامه بیّنه جرح و مطالبه حاکم به شنیدن آن و حکم به آن نماید. و خلاصه باید تا جایی که ممکن است در دفع دعوی کوشش کند.

مسئله ۲۶- اگر مثلاً منکر دین، در اثنای دفاعیات وکیل، از طرف او ادعا کند که دین را ادا کرده و یا طلبکار او را ابراء نموده است، منکر در این مرافعه قلب به مدعی می‌شود و وظیفه وکیلش این می‌شود که بر این ادعا اقامه بیّنه نماید و غیر آن از چیزهایی که وظیفه مدعی است و وظیفه خصم، انکار آن می‌شود و چیزهایی که وظیفه مدعی علیه است.

مسئله ۲۷- در خصومت، اقرار وکیل بر علیه موکلش قبول نمی‌شود؛ پس اگر وکیل مدعی اقرار کند به قبض یا ابراء یا قبول حواله یا مصالحه یا اینکه حق دارای مدّت است یا بیّنه فاسق است، یا وکیل مدعی علیه اقرار به حق برای مدعی بنماید، قبول نمی‌شود و خصومت به حال خودش باقی است- چه در مجلس حکم اقرار کند یا در غیر آن- و با این اقرار عزل می‌شود و وکالتش باطل می‌شود؛ زیرا به گمان وکیل بعد از این اقرار، او در خصومت ظالم است.

مسئله ۲۸- کسی که وکیل در خصومت است اختیار صلح از حق یا ابراء از آن را ندارد مگر

درخواست کنندگان ابطال این دستورالعمل، در مقام اثبات ادعای خود به چند نمونه از نظرات فقهای شورای نگهبان نیز اشاره کرده‌اند که این موارد به قرار زیر می‌باشند:

الف) نظریه شورای نگهبان به شماره ۸۱۳۱-۱۳۶۱/۴/۳: «در شرع مقدس قیدی برای اینکه وکیل باید از بین وکلای دادگستری انتخاب و معرفی شود وجود

اینکه به خصوص در این هم وکیل باشد.

مسئله ۲۹- جایز است که دو نفر و بیشتر را در خصومت، وکیل نماید مانند سایر امور؛ پس اگر به استقلال هر یک از آنها تصریح نکرده باشد و در کلام او ظهوری برای آن نباشد هیچ کدام آنها در عمل مستقل نیستند بلکه با هم مشاورت کرده و همدیگر را روشن و آگاه می‌نمایند و در آنچه که به آنها سپرده شده همدیگر را تقویت و کمک می‌نمایند.

مسئله ۳۰- اگر مردی در حضور حاکم، کسی را در خصومات و استیفای حقوقش به طور کلی یا در یک خصومت مشخصی وکیل نماید سپس وکیل خصمی را برای موکلش نزد حاکم ببرد و علیه او اقامه دعوی نماید، حاکم باید دعوی او را بشنود. و همچنین است اگر نزد حاکم ادعای وکالت در دعوی از او بنماید و نزد او اقامه بیّنه بر آن بکند. و اما اگر بدون بیّنه آن را ادعا نماید پس اگر خصم را نزد او حاضر نکند یا حاضر نماید ولی وکالت او را تصدیق نکند، دعوی او شنیده نمی‌شود. و اگر خصم او را در دعوی وکالت تصدیق نماید ظاهراً دعوایش مسموع است لیکن وکالتش از موکل ثابت نمی‌شود به طوری که حجت بر او شود، پس اگر موازین قضاوت، به حق بودن مدعی حکم نماید حق بر مدعی علیه لازم می‌شود و اگر به حق بودن مدعی علیه حکم کند پس مدعی بر حجتش باقی است بنابراین، اگر وکالت را منکر شود دعوی او به حالش باقی می‌ماند و برای مدعی علیه یا وکیل مدعی است که بر ثبوت وکالت، اقامه بیّنه نماید و با ثبوت آن به بیّنه، حق بودن مدعی علیه در ماهیت دعوی ثابت می‌شود.

مسئله ۳۱- اگر او را در دعوی و ثابت کردن حقی بر خصم وکیل نماید بعد از اثبات آن، حق قبض حق را ندارد، پس محکوم علیه حق دارد از تسلیم آنچه که بر او حکم شده، به وکیل خودداری کند.

مسئله ۳۲- اگر او را در استیفای حقی که او بر دیگری دارد وکیل نماید، پس کسی که حق بر عهده‌اش است او را انکار کند، وکیل حق ندارد که با او مخاصمه و مرافعه کند و اثبات حق بر علیه او بنماید مادامی که در خصومت، وکیل نباشد.

ندارد.» (منظور ایشان پاسخ شماره ۸۱۳۱ مورخ ۱۳۶۶/۴/۳^(۱) فقهای شورای نگهبان، به استعلام دیوان عدالت اداری باشد).

ب) نظریه شورای نگهبان به شماره ۸۶۳۶-۱۳۶۵/۷/۸: «مشروط کردن وکالت به شرایط زاید بر شرایط شرعی مغایر با موازین اسلامی می‌باشد.» (به نظر می‌رسد

۱- رأی مذکور در دیوان عدالت اداری بدین شرح است:

شماره ۱۳۶۸/۸/۱۶ ۴/۶۶/۵

تاریخ ۱۳۶۸/۸/۱ کلاسه پرونده ۴/۶۶ شماره دادنامه ۵۹

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای محمدرضا بندرچی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری.

مقدمه: شاکی بشرح دادخواست تقدیمی با اعلام اینکه باتوجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند پ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری بعلت اینکه در شرع مقدس اسلام قیدی برای اینکه وکیل باید از بین وکلای رسمی دادگستری انتخاب و معرفی شود وجود ندارد ظاهراً خلاف مقررات اسلامی بنظر می‌آید. تقاضای ابطال بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری را نموده است. باتوجه به اعلام مخالفت بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان با شرع از فقهای شورای نگهبان تقاضای اعلام نظرگردید که دبیر شورای نگهبان بشرح نامه شماره ۸۱۳۱ مورخ ۱۳۶۶/۴/۳ چنین اعلام داشت:

بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و بنظر اکثریت آقایان فقهاء شرط مذکور در بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مغایر با موازین شرعی است. با تکمیل پرونده هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیت‌الله حاج سیدابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور روسای شعب تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری

حسب نظر اکثریت فقهای محترم شورای نگهبان بند الف ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری به لحاظ مغایرت با موازین شرعی باطل اعلام می‌گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

منبع: روزنامه رسمی ۱۳۰۲۹-۱۳۶۸/۹/۲

منظور ایشان نظر شماره ۶۸۳۶ مورخ ۱۳۶۵/۷/۸^(۱) در خصوص اعلام نظر در مورد لایحه بازسازی کانون وکلای دادگستری است.)

همچنین شاکیان دلایلی را جهت اثبات خلاف قانون بودن این مقرر ذکر کرده‌اند (که البته بسیاری از این موارد فاقد ماهیت قانون می‌باشد) که مختصراً به قرار زیر است:

۱- برابر مواد (۶۵۶) الی (۶۸۳) قانون مدنی، بالاخص ماده (۶۵۶)^(۲) وکالت از حقوق شرعی و قانونی اشخاص می‌باشد.

۲- برابر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۷۴-۱۳۸۹/۰۵/۱۹ ایجاد ممنوعیت یا محدودیت اشخاص از حق وکالت مستلزم نص قانون

۱- متن مذکور بدین شرح است:

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه شماره ۲۲۹۳- ق مورخ ۱۳۶۵/۶/۲۵ و پیرو نامه شماره ۶۷۸۱ مورخ ۱۳۶۵/۷/۵؛
«لایحه بازسازی کانون وکلای دادگستری» مصوب ۱۳۶۵/۶/۱۸ مجلس شورای اسلامی در جلسات شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت فقهاء به شرح زیر اعلام می‌شود:

البته به منظور حفظ حقوق عامه و تسهیل جریان امور قضایی و سرعت قطع و فصل دعاوی و امکان مراجعه به وکلای متخصص در محدوده احکام شرعی باید ترتیبات و تنظیمات لازم داده شود و شورای عالی قضایی می‌تواند با تصویب مجلس شورای اسلامی به حقوقدان‌های صالح که واجد شرایط لازم باشند پروانه وکالت بدهد و امتیازاتی مثل ارجاع تمام دعاوی دولت و شرکتها و نهادهای دولتی برای آنها در نظر بگیرد، ولی نظر به اینکه مفهوم لایحه بازسازی کانون وکلا مشروط کردن وکالت به شرایطی زاید بر شرایط شرعی است و از موکل آزادی انتخاب را سلب می‌نماید با موازین اسلامی مغایر است.

۲- ماده ۶۵۶ قانون مدنی: وکالت عقدی است که بموجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

می‌باشد. این موضوع در رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۷۴ مورخ ۱۳۸۹/۰۵/۱۱^(۱) مورد اشاره قرار گرفته است.

۳- برابر مشروح مذاکرات مجلس در خصوص ماده واحده قانون انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی -مصوب ۱۳۷۰- که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، یکی از نمایندگان مجلس اینگونه بیان داشت که: «مقید کردن وکالت به وکلای دادگستری مغایر اصل ۳۵ قانون اساسی می‌باشد [و] قطعاً بدانید اگر اصلاح نگردد از طرف شورای نگهبان ایراد گرفته خواهد شد» که این امر منجر به حذف قید «دادگستری» از طرح مذکور گردید.

۴- برابر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، سازمان تعزیرات حکومتی مجاز به صدور حکم حبس نمی‌باشد. (به نظر این استدلال از این جهت ذکر شده که نشانگر این است که سازمان تعزیرات مرجعی قضائی نیست)

۱- رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری:

«نظر به اینکه به دلالت مواد ۶۵۶، ۶۶۰ و ۶۶۲ قانون مدنی، وکالت از حقوق شرعی و قانونی اشخاص بوده و به استثناء اموری که منحصرأ با مباشرت اشخاص انجام‌پذیر است، ایجاد ممنوعیت یا محدودیت اشخاص از حقوق مذکور مستلزم نص قانونی است. علیهذا بند ۵ قسمت توضیح فصل دوم «دستورالعمل نحوه رسیدگی الکترونیکی و غیرحضوری به اشتباهات و اعتراضات تخلفات رانندگی در کلان شهرهای کشور» که اشعار بر عدم پذیرش وکالت‌نامه در رسیدگی به اشتباهات و اعتراضات تخلفات رانندگی دارد، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات نیروی انتظامی تشخیص و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.»

۵- قسمت اخیر و بند «د» ماده (۱۰۳) قانون مالیاتهای مستقیم که مقرر می‌دارد: «مفاد این بند درباره اشخاصی که وکالتاً در مراجع مذکور در این بند اقدام می‌نمایند (ولو اینکه وکیل دادگستری نباشند)» جاری خواهد بود.

۶- رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۰۰-۱۳۶۸/۱۰/۲۱ (پرونده کلاسه ۶۶/۹۰)^(۱) مقرر داشته است که عدم قبول وکالت کارمندان بازنشسته گمرک در کمیسیونهای گمرک مخالف قانون مدنی در باب وکالت می‌باشد.

۷- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۷۹۲ - ۱۳۷۶/۶/۲۵ که مقرر می‌دارد: «پذیرش وکلای غیردادگستری و شرکت وکیل در شعب تعزیرات حکومتی فاقد اشکال می‌باشد.»

۸- نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۴۵۰۹ - ۱۳۸۷/۰۶/۲۰ که مقرر می‌دارد: «تصمیمات مراجع غیرقضایی مانند تعزیرات حکومتی تحت نظارت نهاد قضایی دیوان عدالت اداری می‌باشد.»

پاسخ دفتر حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی:

اما در مقابل استدلال‌های شاکیان، دفتر حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی طی لایحه دفاعیه خود بدون پرداختن به موضوع دادرخواست، اینگونه بیان نمود که

۱- رأی وحدت رویه دیوان عدالت اداری:

دستورالعمل شماره ۶۶۶،۱۸-۵۵،۱۹۹،۱۰۲،۱۰۴۴۷-۵۵،۱۸-۶۶ گمرک ایران مبنی بر عدم قبول وکالت کارمندان بازنشسته گمرک در کمیسیونهای دوگانه‌رسیدگی به اختلافات گمرکی و تجدید نظر از جهت حصر و قبود مندرج در آن مخالف مقررات قانونی مدنی در باب وکالت تشخیص داده و از این جهت مخالف مقررات قانون مدنی در باب وکالت تشخیص داده و از این جهت ابطال می‌گردد.

آنچه در سایت این سازمان منتشر شده مصوبه نبوده و صرفاً اطلاعاتی کلی به منظور آشنایی کاربران اینترنتی با شرح وظایف دفتر رسیدگی به شکایت سازمان تعزیرات حکومتی است، لذا با توجه به اینکه این مصوبه، بخشنامه یا ... نیست و هیچ حق و تکلیفی برای دفاتر ستادی و ادارات کل اجرایی در اجرا ایجاد نمی‌نماید ایشان درخواست صدور قرار رد شکایت را نمودند.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، دو مسئله قابل ذکر می‌باشد:

اول اینکه به نظر می‌رسد متن مورد ایراد شاکیان همانطوری که سازمان تعزیرات اعلام کرده است مصوبه قانونی و مقرر عمومی که ایجاد حق یا تکلیف یا الزام قانونی نماید نمی‌باشد چراکه از نظر شکلی نیز باتوجه به فایل‌های پیوست پرونده فاقد شرایط شکلی لازم برای یک مصوبه قانونی است. لذا اگر مراجع قانونی مربوطه به استناد این متن از رسیدگی به پرونده‌های متقاضیان (وکلائی غیر رسمی) سرباز می‌زنند از حدود صلاحیت خود خارج شده و متمرکز از تکالیف قانونی‌شان شناخته خواهند شد که قابل پیگیری در مراجع مربوط است.

اما مسئله دوم که مربوط به بررسی ماهیت موضوع می‌باشد باید به این نکته

توجه داشت که هرچند به موجب ماده (۵۵) قانون وکالت^(۱) -مصوب ۱۳۱۵-

۱- ماده ۵۵ قانون وکالت:

«وکلاء معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و بطور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا اینکه بوسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید متخلف از یک الی شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد.»

که در حال حاضر معتبر می‌باشد «هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است» و چنین اقدامی تخلف به حساب می‌آید، اما با توجه به اینکه اولاً وکالت موضوع قانون مذکور مربوط به وکالت در دعوی مذکور در محاکم دادگستری است و نه وکالت به صورت مطلق و ثانیاً این قانون به تأیید شورای نگهبان نرسیده است رویکرد واحدی نسبت به آن وجود ندارد. توضیح آنکه فقهای شورای نگهبان در اظهار نظر خود نسبت به ماده (۶) آئین دادرسی دیوان عدالت اداری^(۱) (مصوب ۱۳۶۲ شورای عالی قضایی)، که مقرر داشته بود «وکیل باید از بین وکلای رسمی دادگستری انتخاب و معرفی شود.» ماده مذکور را خلاف شرع دانسته و توسط هیأت عمومی دیوان ابطال گردید و از این جهت در آئین دادرسی دیوان قیدی مبنی بر اینکه لزوماً وکالت در دیوان می‌باید توسط وکلای رسمی دادگستری صورت پذیرد وجود نداشت. اما شورای نگهبان در ماده (۳۳) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) - مصوب ۱۳۷۹ - مصوبه مجلس مبنی بر اینکه: «وکلائی متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاهها برای آنان مقرر گردیده» را تأیید کرد، و در ماده (۱۲۲) قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری^(۲) - مصوب ۱۳۹۲ - نیز مقررات

۱- ماده ۶ آئین دادرسی دیوان عدالت اداری:

«شرایط وکالت در دیوان بشرح زیر است:

الف - وکیل باید از بین وکلای رسمی دادگستری انتخاب و معرفی شود. ...»

۲- ماده ۱۲۲ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری:

مربوط به وکالت را موکول به قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) نمود. در قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۹۲ - نیز هرچند قانونگذار نسبت به شرط وکالت در مراجع موضوع این قانون سکوت کرده است، اما ماده (۱۹۰) این قانون^(۱) از اصطلاح «وکیل دادگستری» که نمایانگر وکلای واجد صلاحیت و پروانه می‌باشد استفاده کرده است. بنابراین با توجه به جمیع این موارد اینگونه به نظر می‌رسد که علاوه بر نظر سابق فقهای شورای نگهبان مبنی بر خلاف شرع بودن اینکه «وکیل باید از بین وکلای رسمی دادگستری انتخاب و معرفی شود»، مواردی که الزام به انتخاب وکلای رسمی دادگستری وجود دارد به موجب قانون تعیین گردیده است و بر اساس قوانین موجود محدودیت انجام وکالت از سوی وکلای رسمی دادگستری مربوط به محاکم دادگستری و قضائی می‌باشد و هیچگونه قانونی که وکالت در سازمان تعزیرات (که مرجعی غیرقضائی می‌باشد) را محدود به وکلای رسمی دادگستری نماید وجود ندارد و ایجاد چنین محدودیتی مستلزم وضع قانون می

«مقررات مربوط به رد دادرسی و نحوه ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات دیوان و وکالت و سایر موارد سکوت در این قانون به ترتیبی است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) و قانون اجرای احکام مدنی مقرر شده است.»

۱- ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری:

«متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.»

باشد و مقامات دیگر نیز از چنین صلاحیتی جهت وضع محدودیت مذکور برخوردار نیستند.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده، که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
راینا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵ تلفکس: ۸۸۳۳۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir